

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

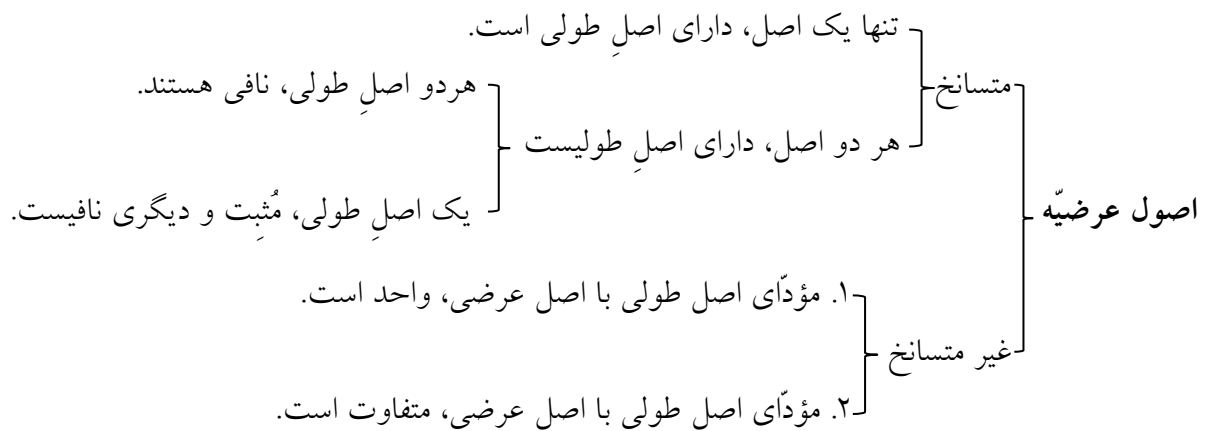
## تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نیرودی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۶۸ - دوشنبه ۹۱/۱۲/۷

به اعتبار اقوالی که از سوی اصولیون در ما نحن فیه بیان شده است می‌توان یک تقسیم‌بندی اجمالی از اصول عرضیه و طولیه به این نحو ارائه کرد:



### کلام محقق نائینی رحمته الله در اصل طولی نافی

مرحوم نائینی معتقد است به طور کلی اصول طولی نافی (در صورتی که اصل مثبتی وجود نداشته باشد)<sup>۱</sup> جاری نخواهد بود و در مجموع، دو برهان بر این مدعا اقامه کرده‌اند.

۱. وجود یا عدم وجود قید مذکور در کلام محقق نائینی رحمته الله احتیاج به بررسی بیشتر دارد.

## برهان اول محقق نائینی<sup>۱</sup> رحمته الله

محصل استدلال ایشان چنین است که: تعارض اصول در حقیقت به خاطر مؤدیات و مجعولات آنها می‌باشد؛ به این معنا که چون مجعولات اصول که واحد است با معلوم بالاجمال تنافی دارد نمی‌تواند جاری گردند؛ زیرا لازمه‌اش إذن در عصیان است که قبیح است و در این ملاک، تفاوتی میان اصول عرضی و طولی وجود ندارد.

به عنوان مثال اگر یکی از دو إناء دارای حالت سابقه باشد و علم اجمالی به نجاست یکی از آن دو حاصل شود، مکلف ابتدا با دو اصل عرضی غیر متساخ مواجه است؛ زیرا إناء شرقی که دارای حالت سابقه‌ی طهارت است موضوع استصحاب طهارت و إناء غربی که فاقد حالت سابقه‌ی معلومه است موضوع قاعده‌ی طهارت است و این دو اصل با یکدیگر تعارض و تساقط می‌کنند؛ به دلیل اینکه جریان هر دو مستلزم مخالفت قطعیه‌ی عملیه با نجاست معلومه است و در این جاست که چه بسا توهم شود با سقوط استصحاب که اصل حاکم است اصلی محکوم یعنی قاعده‌ی طهارت بتواند جاری شود و چون مفروض آن است که قاعده‌ی طهارت در إناء غربی ساقط شده است می‌توان در إناء شرقی بدون معارض و مزاحم، قاعده‌ی طهارت را جاری ساخت.

ولی مرحوم نائینی<sup>۲</sup> منکر جریان قاعده‌ی طهارت بلامعارض در إناء شرقی است؛ زیرا تعارض بین استصحاب و قاعده‌ی طهارت در إناء غربی به دلیل مؤدی و مجهول آنها یعنی طهارت، رخ داده بود و این مؤدی در جریان قاعده‌ی طهارت نسبت به إناء شرقی نیز وجود دارد و اینکه استصحاب حاکم بر قاعده‌ی طهارت است در مانحن فیه اثری ندارد؛ زیرا اعتبار به مجعول و مؤدای اصل است که این مجعول در همه‌ی این سه مورد، واحد است. لامحاله مؤدای قاعده‌ی طهارت در إناء غربی نه تنها با مؤدای استصحاب طهارت بلکه با مؤدای قاعده‌ی طهارت در إناء شرقی در عرض واحد معارضه کرده و در نتیجه سه اصل ساقط می‌شوند.

## اشکال محقق عراقی بر فرمایش محقق نائینی<sup>۱</sup> رحمته الله

در حواشی محقق عراقی<sup>۲</sup> رحمته الله بر *فوائد الاصول* دو اشکال بیان شده است:

---

۱. فوائد الاصول، ج ۴، ص ۴۸.

۲. مرحوم عراقی دارای برخی حواشی بر *فوائد الاصول* مرحوم نائینی است که این حواشی در مباحث عقلیه به چاپ رسیده است اما در مباحث الفاظ هنوز به چاپ نرسیده است.

## اشکال اوّل

نمی‌پذیریم مجعول در استصحاب و قاعده‌ی طهارت<sup>۱</sup> واحد هستند، بلکه لعلّ شارع دو نوع طهارت طولی را جعل کرده است که اجتماع آنها در زمان واحد و بلکه در رتبه‌ی واحد ممکن نیست. ملاک و مصلحت در جعل این دو طهارت آن است که اگر یکی از این دو طهارت به دلیلی مانند تعارض ساقط شود طهارت دیگر بدون مزاحم جاری گردد. بنابراین یک نوع طهارت جعل نشده است بلکه متفاوتند و حداقل آن است که یکی در طول دیگری است.

### پاسخ شهید صدر<sup>۱</sup> بر اشکال اوّل محقق عراقی<sup>۲</sup>

ایشان می‌فرماید اگر خود را محدود به قالب‌ها کنیم این اشکال وارد است و طهارت مستفاد از استصحاب طهارت با طهارت مستفاد از قاعده‌ی طهارت به دلیل تعدّد منشأ متفاوت است، اما اگر به روح و ملاک حکم نظر شود خواهیم دانست که این دو واحد هستند و شارع تسهیل را بر تضییق ناشی از نجاست مقدم دانسته است و مکلف را در فسحه از نجاست قرار داده است.

بنابراین اشکال محقق عراقی وارد نخواهد بود.

### نقد و بررسی اشکال اوّل محقق عراقی<sup>۲</sup>

حقیقت آن است که مجعول واحد است و سخن مرحوم نائینی<sup>۳</sup> درست است؛ زیرا اینکه طهارت ظاهری از «لاتنقض» به دست آید و طهارت دیگری از قاعده‌ی طهارت به دست آید موجب تعدّد در حقیقت آن دو نمی‌شود و در واقع استصحاب طهارت و قاعده‌ی طهارت هر دو طریق برای اثبات حکم ظاهری هستند و نفس حکم ظاهری واحد است. بنابراین اشکال محقق عراقی<sup>۲</sup> ناتمام است.

### اشکال دوّم محقق عراقی بر کلام مرحوم نائینی<sup>۳</sup>

شارع برای اثبات طهارت در موارد شک (حتّی طهارت واحده) دو طریق قرار داده است؛ یک طریق در مرتبه‌ی مقدم و طریق دیگر بعد از سقوط طریق اوّل است. چه مشکلی وجود دارد که گفته شود با طریق اوّل نمی‌توان همان طهارت را ثابت کرد اما با سقوط طریق اوّل، طریق دوم زنده شود؟!

بنابراین محقق عراقی<sup>۲</sup> در این اشکال فرض را بر وحدت طهارت می‌گذارد و می‌گوید از آنجا که دو

---

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۵، ص ۲۰۹

طریق برای اثبات طهارت وجود دارد و با سقوط اولی، دومی زنده می‌شود چه مشکلی وجود دارد که همان طهارت از راه دوم اثبات گردد. در مثال مذکور، استصحاب طهارت در إناء شرقی با تعارض با قاعده‌ی طهارت در إناء غربی ساقط می‌شود و در مرتبه‌ی بعد با دلیل دوم محکوم ثابت می‌شود.

### نقد و بررسی اشکال دوم محقق عراقی رحمته الله علیه

به نظر می‌رسد می‌توان این اشکال را پذیرفت و ایرادهای متوهمه بر آن را دفع کرد.

بیان کردیم دلیل اصول عملیه نمی‌تواند همه‌ی اطراف علم اجمالی را شامل شود و اگر حتی این اصول غیر متسانخ باشند اطلاق ادله نمی‌تواند موردی را شامل شود که با کمک اطلاق ادله‌ی اصول دیگر مستلزم مخالفت قطعیه‌ی عملیه می‌شود؛ زیرا در همه‌ی این موارد، استهجان عرفی وجود دارد لذا اطلاق و عموم ادله‌ی اصول این موارد را شامل نمی‌شود، اما اگر دلیل به گونه‌ای باشد که با جریان خود مواجه با جریان اصل نافی دیگری نباشد چنین استهجانی وجود ندارد؛ زیرا اگر قاعده‌ی طهارت بعد از سقوط استصحاب طهارت جاری گردد علی‌الفرض در إناء غربی دیگر جاری نخواهد بود، لذا قاعده‌ی طهارت در إناء شرقی بدون مزاحم جاری است و استهجان عرفی وجود نخواهد داشت.

بدین جهت می‌توان گفت دلیل طهارت در چنین جایی مُحکّم است و اشکال دوم محقق عراقی رحمته الله علیه تثبیت می‌شود گرچه ممکن است بنا بر مبانی محقق عراقی رحمته الله علیه قابل دفاع نباشد.

مقرر: سید حامد طاهری